



الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

علی باقی نصرآبادی¹

مجید سلیمانی²

چکیده

هدف: یکی از راه‌های زنده نگه داشتن روش‌شناسی در جامعه، بررسی آراء، اندیشه‌ها و روش‌های اندیشمندان و استخراج الگوی اندیشه‌ورزی و روش‌شناسی آنهاست. آیت‌الله شهید علامه مرتضی مطهری، ژرف‌اندیش و متفکری است که بررسی اندیشه‌اش می‌تواند افق‌های نوینی در امر پژوهش، روش‌شناسی و مسئله‌شناسی بگشاید. روش‌شناسی شهید مطهری آمیزه‌ای از مبانی اسلامی، تدبیر نوین در مشکلات جامعه اسلامی و ابتکارات فکری و توانایی‌های ذهنی بود. لذا هدف از انجام پژوهش حاضر، دستیابی به ویژگی‌های روش‌شناسی استاد مطهری در پژوهش مسئله‌محور بود. **روش:** روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای بود. **یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش در قالب الگویی شامل بسترسازهای فردی: هدفمندی، عشق به علم و تفکر، خودآگاهی، هجرت فکری و حقیقت‌جویی؛ بسترسازهای تاریخی - اجتماعی: کشف ریشه‌های تاریخی در تحقیق، بررسی عملکردهای فلسفی حکمای مسلمان، نقد فیلسوفان مسلمان، عمق‌نگری تاریخی و نقد عالمانه اندیشه‌ها؛ و پیش‌رانه‌های روشی: دستیابی به نیازها، روشمندی، قاعده‌ایم فالاهم، تیزبینی، آینده‌نگری، عمق‌یابی، مسئله‌محوری فعالانه، نوآوری و پرهیز از مطلق‌گرایی ارائه شد. **نتیجه‌گیری:** شهید مطهری در مسئله‌شناسی و مسئله‌یابی از زمان علمی خویش جلوتر بود؛ ذهن و چشم مسئله‌یاب داشت؛ تحقیقاتش بر حسب نیاز بود؛ خالق یک نظام واحد فکری بود و در تحقیق مسئله‌محور، ضابطه و قاعده‌مندی را رعایت می‌کرد.

واژگان کلیدی: الگو، روش‌شناسی، شهید مطهری، پژوهش، مسئله‌محوری.

دریافت مقاله: 00/01/26، تصویب نهایی: 00/04/21.

1. دکترای مدیریت فرهنگی، استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع) (نویسنده مسئول). نشانی: قم، بلوار شهید محلاتی، پژوهشگاه امام صادق(ع). نمابر: 02531125312 / Email: Baqi1341@gmail.com
2. دکترای جامعه‌شناسی، استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع).

الف) درآمد

استاد شهید، علامه آیت‌الله مرتضی مطهری، از نادر دانشمندان برجسته، موفق و پیشرو در جهان تشیع و عصر جدید است که بر پایه بصیرت علمی، همراه با گسترده‌گی فکری، درک زمانی، توجه به واقعیتها، شناخت مسائل فکری و فرهنگی و اجتماعی و پاسخ به شبهات روز، از موضع تعهد، دین، بیداری و دردمندی دینی در عرصه‌های بی‌شمار از علوم اسلامی، آثار فاخر علمی و پژوهشی پدید آورد. این عالم فرزانه، پژوهشگری جامع‌الاطراف و جامع‌الافکار بود که تنها به تحقیق در یک رشته خاص بسنده نکرد، بلکه از همه جنبه‌های علوم انسانی و اسلامی روز آگاهی کافی داشت و توانست با اشراف بر دانشهای گوناگون، تحلیلی مفید، مؤثر و گره‌گشا ارائه دهد.

در خصوص استاد مطهری برخی معتقدند ایشان در عرصه اصلاح مشکلات جامعه دو کار کرد: یکی، بازآفرینی و مسئله‌یابی و دیگری، پاسخ نو به سؤالهای نو (سروش، 1370: 384). خود استاد در این باره می‌گوید: «ما باید این خیال را از کله خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان متد قدیم رهبری کنیم» (مطهری، 1387: 525)

وی به عنوان دین‌شناسی آگاه، با ذهن مسئله‌یاب خود به درستی دریافته بود که پرسشهای نو، پاسخهای کهن را بر نمی‌تابد و کلام قدیم، بدون بازسازی و بازفهمی و پالایش و پیرایش، جوابگوی نیازهای انسان معاصر، به ویژه نسل جوان نمی‌تواند باشد؛ از این رو، کوشید از افقی دیگر به مسائل دینی و اجتماعی نظر افکند و آن را از چشم‌انداز تازه‌ای به تصویر کشد تا اندیشه دینی رخت کهنگی از تن به در آورد و چهره از غبار زمان برگیرد و جوهر بالنده خود را آشکار سازد. (باقی نصرآبادی، 1388: 102)

مهم‌ترین تفاوت مطالعات استاد مطهری در مقایسه با بسیاری از محققان معاصر، به روش تحقیق برمی‌گردد. وی تمایز روشی با معاصران خود دارد و مهم‌ترین ضلع تمایز روش او، مسئله‌محوری و مسئله‌یابی فعالانه است. استاد در آغاز اغلب آثارش، به مسئله‌محور بودن مطالعات خویش توجه می‌دهد: «تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است» (مطهری، 1378، ج 1: 38). مسئله‌محوری در اندیشه و تحقیقات استاد مطهری موجب شد که ایشان موضوعات مورد نیاز جامعه را به خوبی بشناسد و به خوبی عمق مسئله را موشکافی کند و در برخورد با مشکلات جدید اجتماعی و فرهنگی، با مدد گرفتن از اصل اجتهاد مستمر پاسخهای شایسته فراهم سازد. مصباح یزدی می‌گوید: «مطهری نه تنها از دانشهای حوزوی و معارف اسلامی آگاه بود، بلکه با همت خود، راه را درست فهمید و برای رفع هر مشکل فکری و فرهنگی پاسخ لازم را یافت» (مصباح یزدی، 1390: 243)

خلاً عمده‌ای که در روش‌شناسی اندیشمندان اسلامی وجود دارد، نپرداختن به روش‌شناسی اندیشمندان اسلامی و بی‌توجهی به روش علمی آنهاست. بنابر این، پژوهش حاضر گامی در این راستا و به منظور

برجسته ساختن الگو و نوع روش‌شناسی اندیشمند شهیر در امر مسئله‌محوری، شهید مرتضی مطهری است. برای استخراج الگو در این مطالعه، به متن نوشته‌های شهید مطهری و قول اندیشمندان راجع به ابعاد علمی و روشی ایشان مراجعه شد. بدین منظور، بر ساخته‌ها و تجارب و گفتارهای ایشان در خصوص پدیده مسئله‌محوری و سایر مستندات مکتوب، احصا و داده‌ها در قالب توصیفات ساختاری و متنی تحلیل شد و در نهایت، الگوی شماتیک متشکل از بسترسازهای فردی و اجتماعی - تاریخی و پیشرانها یا عوامل شتاب‌دهنده به تصویر کشیده شد.

1. مفهوم‌شناسی

یک) روش‌شناسی¹

مهم‌ترین مسئله در فلسفه هر علم، روش‌شناسی آن علم است. روش‌شناسی را به صورت اجمال می‌توان «شناخت روش» تعریف کرد. «روش»، چگونگی به کارگیری ابزار و منابع معرفت یا چگونگی کاربست قواعد ماده و صورت، برای استخراج معرفت است. لذا وقتی از روش‌شناسی صحبت می‌کنیم، باید مقدم بر آن، از قواعد منطقی و معرفت‌شناسی آگاه باشیم تا بعد روش به کارگیری آن را بفهمیم (خسروپناه، 1394: 36). روش‌شناسی یا دانش روشها، رشته‌ای است که هدف از آن، تعمق در باب فرایندهای عقلانی یک اندیشه منتظم است. این دانش به تعبیه مفاهیم اساسی و ابزار عقلانی که یک روش برای وصول به هدف باید به کار گیرد، می‌پردازد (بیرو، 1380: 224-223). به تعبیر دیگر؛ روش‌شناسی، مطالعه منتظم و منطقی اصولی است که تفحص علمی را راهبری می‌کنند. (ساروخانی، 1370: 448)

دو) الگوی روش‌شناسی

واژه الگو بیشتر به «ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت» توجه دارد و طرح ساده‌شده‌ای است که خطوط اساسی یک مجموعه اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آنها را مشخص می‌کند (مندراس، 1349: 370). منظور از الگوی روش‌شناسی، بیان عناصر معرفتی در قالب یک پیکره و نظم منطقی است و فرایندهای عقلانی و اندیشه‌ای واحد در خصوص پدیده‌ای را به صورت روابطی منظم به تصویر می‌کشد.

2. نظریه کانونی شهید مطهری (نظریه فطرت)

مجموعه آثار شهید مطهری خالق نظام واحد فکری و ارائه‌دهنده چارچوب مشخصی از اندیشه اسلامی است. در اندیشه مطهری، ریشه همه مباحث، «توحید» است؛ زیرا اصل توحید این صلاحیت را دارد که مانند روح، زندگی‌بخش همه اندامها و قوه محرکه یک مکتب باشد. او در این باره می‌فرماید: «با اینکه انسان

1. Methodology
2. Mendras

94 ♦ الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

گمان می‌کند که توحید یکی از مسائل اسلام است و هزاران مسئله دیگر در اسلام در کنار توحید قرار گرفته است، ولی وقتی با نگاهی دقیق‌تر می‌نگرد، می‌بیند اسلام سراسرش توحید است؛ یعنی تمام مسائل - چه آنها که مربوط به اصول عقاید است و چه آنها که به اخلاقیات و امور تربیتی و یا به دستورالعمل‌های روزانه ارتباط دارد - همگی یکجا و یکپارچه، توحید است.» (مطهری، 1387: 96-97)

اصل فطرت از آنچنان اهمیت اساسی در مجموعه فرهنگ و معارف اسلامی برخوردار است که شهید مطهری آن را «المعارف» می‌خواند (ممو، 1384: 466). وی در ربط انسان‌شناسی و توحید، معتقد است که «درخت انسانیت اگر بخواهد راستی بارور و میوه‌ده باشد، باید ریشه توحیدی و ایمانی داشته باشد» (ممو، 1383، ج 23: 764) و در نهایت، ثمره این شجره طیبه، مباحث کاربردی و ضروری زندگی انسان و جامعه در قالب روش‌شناسی شهید مطهری در پژوهش مسئله‌محور است. بنابر این، مفهوم «فطرت» یکی از کلیدی‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم کارگشا و گفتمان کارامدی است که گفته‌ها و نوشته‌های علامه مطهری بر آن تکیه دارد. اغلب تحلیلها و بررسی‌های نظری ایشان در حوزه‌های مختلف معرفتی، به نوعی بر «فطرت الهی انسان» مستند و مبتنی است.

ب) روش پژوهش

برای جستجو به منظور اکتشاف، ساختاربندی و صورت‌بندی روش‌شناسی استاد شهید آیت‌الله مطهری در پژوهش‌های مسئله‌محور، به آثار ایشان و کلیه منابع منتشرشده دیگر در قالب کتاب و مقاله درباره اندیشه و شخصیت علمی و تحقیقی شهید مطهری، رجوع و زمان زیادی مصروف تأمل و تحقیق و تدقیق در محتوای آنها شد. از این رو، پژوهش حاضر بر روش کتابخانه‌ای مبتنی است. ابزار مورد استفاده نیز فیش تحقیقاتی بوده است.

ج) مسئله‌محوری در روش و اندیشه شهید مطهری

برای اینکه به روش‌شناسی مسئله‌محور شهید مطهری بیشتر وقوف یابیم، ناگزیر از پرداختن به شرایط و بسترسازهای فردی و تاریخی - اجتماعی هستیم که این اندیشمند شهیر به آنها توجه داشته است. این عوامل و بسترسازها می‌توانند تکنیکی، روشی، تکنیکی - روشی، فطری، برآمده از روح علمی و شخصیتی باشند.

1. بسترسازهای فردی مسئله‌محوری

بسترسازهای فردی مسئله‌محوری به شرایط فردی اشاره دارند که پدیده مورد اکتشاف (مسئله‌محوری) از آنها ناشی می‌شود. بسترسازها حکم عوامل ایجادکننده یا متغیرهای اثرگذار را دارند که در سطح فردی

95 **علی باقی نصرآبادی و مجید سلیمانی**

عمل می کنند. این عوامل برخی تکنیکی اند، مانند هدفمندی و هجرت فکری؛ برخی برآمده از ویژگی های فطری اند، همچون حقیقت جویی، برخی منبعث از ویژگی های روح علمی اند، همچون عشق به علم و تفکر و برخی نیز برآمده از ویژگی های شخصیتی، همچون خودآگاهی می باشند.

یک) هدفمندی

پژوهش، سفری اندیشمندانه و هدفمند به درون واقعیتهاست. مقتضای آگاهانه بودن این سیر که ضامن نتیجه بخش بودن آن نیز است، مهار تحقیق را در دست داشتن و پرهیز از حاشیه روی است. معنای هدفمندی تحقیق این است که محقق به خوبی بداند در چه فضایی و چارچوبی پژوهش می کند و به چه سویی می رود و نتیجه پژوهشش پاسخگوی کدام نیاز علمی و فرهنگی جامعه است (حدری، فر، 1389: 105). استاد مطهری درباره هدفمندی کارهای علمی و پژوهشی اش می گوید: «تنها چیزی که در همه نوشته هایم آن را هدف قرار داده ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است» (مطهری، 1378، ج 1: 38).

طبق نظر مقام معظم رهبری، نکته برجسته و مهمی که در شخصیت استاد مطهری وجود داشت، این بود که ایشان تبرز و تبحری در فهم نیاز زمانه از لحاظ فکری داشتند و به عنوان یک پایه فکری، همه چیز را در جای خودش مطرح می کردند. (مقام معظم رهبری، 1377/2/12)

ویژگی برجسته استاد مطهری که ایشان را از دیگر مشاهیر ممتاز می سازد، این است که توانایی های خویش را متعهدانه و هدفمند به کار می گرفت؛ کارهای موازی و تکراری نمی کرد و سر و صدایش کمتر از تلاشهایش بود (صبح یزدی، 1390: 30). هدفمندی و ویژگی زمان آگاهی، احساس مسئولیت در قبال نیازهای اعتقادی، اخلاقی، علمی و فرهنگی جامعه و تشخیص به موقع دردها، در کمتر کسی مانند شهید مطهری پیدا می شود.

دو) حقیقت جویی

بدون شک، حق محوری و حقیقت جویی و حقیقت طلبی، نیاز فطری انسان است (جوادی آملی، 1375/الف: 134) و حق مداری نخستین پایه تحقیق علمی درباره حق است (همو، 1375/ب: 73). از این رو، اگر انسان، محقق مهندسی و بر محور حق نباشد، نمی تواند هادی دیگران باشد. (همو، 1378، ج 1: 448)

بی شک، رکن رکن و اصل اصیل پژوهش مسئله محور، حرکت به سوی واقعیت ناشناخته و حقیقت نادانسته است. تحقیق؛ یعنی تلاش برای کشف و دستیابی به حقیقت. (شریفی، 1393: 477)

مطهری «حقیقت جویی» را از مهم ترین فطریات انسان و از نخستین گرایشهای مقدس آدمی می شمارد. به نظر وی، حقیقت جویی از مقوله دانایی به معنای دریافت واقعیت هستی است، آنگونه که هست. گرایش

96 ♦ الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

به کشف واقعیت‌های هستی و درک حقایق اشیا آنچنان که هستند، در نوع بشر وجود دارد (مطهری، 1378، ج 3: 492). امتیاز برجسته مطهری، خصیصه بارز حقیقت‌جویی بود. روح حقیقت‌جویی باعث شد حقیقت را فدای عظمت استاد یا قداست دانشمند نکند. از این رو، باکی از انتقاد توأم با نزاکت و با احترام به استادان خود هم نداشت. بزرگ‌ترین احترام به گذشتگان این است که حتی اگر نتیجه تحقیقی کاملاً خلاف آرا و دیدگاه‌های آنان بود، عرضه شود. زمانی که به ارسطو اعتراض شد چرا حرمت استاد خود، افلاطون را ننگه نداشته و نظرات و دیدگاه‌های او را به نقد کشیده و در رد آنها سخن گفته است، در پاسخ، سخنی بسیار ارزشمند و جاودانه گفت: «افلاطون را دوست دارم، اما به حقیقت بیش از افلاطون علاقه دارم» (فروغی، 1379: 31).

سه (عشق به علم و تفکر

یکی از مسائل مهم مسئله‌محوری در عرصه پژوهش، اشتیاق به علم و اندیشه است. استاد مطهری تفکر را پاس می‌داشت و در تمام تحقیقات و گفتارهایش، ویژگی تفکر موج می‌زد. آیت‌الله مصباح یزدی در این باره می‌فرماید: «شهید مطهری دارای عطش و شوقی شگفت برای رسیدن به کمال انسانی بود؛ کمال در دو عرصه معرفت و فضیلت. وی عاشق دانش و معرفت بود؛ به گونه‌ای که در جوانی کاری جز فراگرفتن علوم و معارف نداشت. حاضر بود از هرگونه لذت زندگی، انس با خانواده و همه آنچه هر انسانی در زندگی‌اش، به ویژه در روزگار جوانی دارد، چشم پوشد تا در تحصیل دانش پیشرفت کند» (مصباح یزدی، 1390: 51).

در ادامه می‌فرماید: «جوانان باید عطش علمی و اشتیاق به معارف و همچنین عشق به خودسازی و معنویت را از این دانشمند شهید بیاموزند. اگر مطهری به مقاماتی والا و شایسته دست یافت، به این دلیل بود که وی در علم و عمل، با تحمل زحمت و رنج بسیار پیشرفت کرد و به موازات آن، از فضیلت‌های اخلاقی و خصلت‌های معنوی غافل نبود» (همان: 53). استاد مطهری فراتر از دانش، از دانایی و خردورزی برخوردار بود. به این عوامل می‌توان آشنایی با زمان و علوم روزگار و پرهیز از سطحی‌نگری و برخورداری از ذهن منطقی و آگاهی از دانش اصول را افزود. (فرامرزی فراملکی، 1385: 151-152)

چهار) خودآگاهی

خودآگاهی زمینه خوبی است برای اینکه انسان بتواند برای زندگی خود اهداف واقع‌بینانه‌ای ترسیم کند و از دنبال کردن اهداف بسیار ایدئال و کمال‌گرایانه افراطی دوری گزیند. مرحله ادراک خویشتن، اولین گام در حل موفقیت‌آمیز مسئله است. یکی از پیش‌فرض‌های اساسی تصمیم‌گیری حکیمانه، شناخت خویشتن هر انسان است. (باقریان و عابدی جعفری، 1380: 29)

خصوصیت مهم شخصیتی استاد مطهری این بود که روحیه بسیار قوی و استوار دینی داشت؛ همانند استاد و مرشد خود امام خمینی (ره) که اگر به فرض محال، تمام ملت هم مخالف مسیر تکلیف الهی ایشان بودند، وی از راه خود دست برنمی‌داشت. استاد مطهری به سبب برخورداری از قوت و عزت نفس، هیچ‌گاه

در فکر جمع کردن مرید نبود و حتی برخی از موضع گیری‌های او باعث از دست دادن مریدهای بسیاری شد؛ ولی در عوض از حریم اسلام ناب محمدی دفاع کرد و نگذاشت افکار بیگانه را به نام اسلام قالب بزنند. (باقی و نگارش، 1386: 60)

پنج) هجرت فکری

در عصر ما، نمونه برجسته روشنفکر مسلمان متعهد و مسئولی که روزگار خود را به خوبی و روشنی شناخت و مناسب‌ترین راه مبارزه را برگزید، فیلسوف و متفکر شهید، علامه استاد مطهری است که تأثیر ویژه و خارق‌العاده‌ای بر قلمرو اندیشه‌ها در مجامع علمی و دانشگاهی به جا گذاشت. استاد مطهری با داشتن بیش از 25 سال تماس مستقیم با مجامع و سمینارهای علمی و دانشگاهی و ارتباط مستقیم با دانشجویان و استادان دانشگاه و طبقات تحصیل کرده، توانست بیش از همه به دردها و مشکلات آنها و روح غالب بر افکار آنها پی ببرد (بی‌نام، 1370: 61). وارد شدن شهید مطهری به دانشگاه و شرکت در مجامع دانشجویی، مهندسان و پزشکان، باعث شد تا احساسی نو برای ارائه دین در شکل و بیان بهتر در او به وجود آید. (جعفریان، 1371: 25)

طبیعی است که حضور اسلام‌شناس بزرگی چون استاد مطهری در محافل روشنفکری و تماس نزدیک با تحصیل کردگان و روشنفکران مسلمان که ذهنیتهای گوناگونی درباره اسلام و معنویت داشتند، تأثیرات بسیار مثبتی به دنبال داشت. در این زمینه، دکتر محمد مفتاح نقل می‌کند که استاد مطهری می‌فرمودند: «گر من به دانشگاه نیامده بودم، خیلی از این آثار را نداشتم». (جمعی از نویسندگان، 1374: 257)

استاد مطهری برای آشنایی و استفاده بیشتر از نظر بزرگان حوزه و دانشگاه، از حوزه‌های تخصصی و محدودکننده فراتر رفت و به قلمرو موضوعات دیگر گام نهاد و از رویارویی با افقهای جدید نهراسید و عرصه نگاه اجمالی خود را گسترده‌تر کرد و شبکه روابط خود را پیچیده‌تر ساخت و بر دیده‌ها و شنیده‌های خود افزود. به همین سبب، جامعه ما بسی بیش از دیگران از استاد مطهری بهره می‌برد. (سروش، 1371: 42-40)

2. بسترهای تاریخی - اجتماعی

بسترهای تاریخی - اجتماعی مسئله‌محوری، به پرداختن به شرایط و ریشه‌های تاریخی و زمان و مکان و نقش کنشگرانی اشاره دارند که به شکل‌گیری پدیده مورد اکتشاف (مسئله‌محوری) کمک می‌کند. بسترهای تاریخی - اجتماعی نیز حکم عوامل ایجادکننده یا متغیرهای اثرگذار را دارند که در سطح فرافردی عمل می‌کنند. این عوامل، برخی تکنیکی‌اند؛ مانند پابندی به نقد عالمان، عمق‌نگری تاریخی و پرده‌برداری از عملکرد فلسفی حکما و برخی تکنیکی - روشی‌اند؛ مانند کشف ریشه‌های تاریخی در پژوهش و نقد فیلسوفان مسلمان.

یک) کشف ریشه‌های تاریخی در پژوهش

از جمله ویژگی‌های بارز استاد مطهری در روش تحقیقاتی‌اش، بیان سیر تاریخی مطالب بودند؛ بدین معنا که وی به اقتضای موضوع مورد بحث، سیر تحول و تطور آن علم را نیز از ابتدا تا انتها تشریح می‌کرد و دورنمای کلی از آنچه قرار بود درباره آن سخن گفته شود، در برابر شنوندگان خود قرار می‌داد و بدین شیوه، فراگیری در آنها و کار تحقیق را آسان‌تر می‌ساخت.

پژوهشهای فلسفی استاد مطهری، با کاویدن ریشه‌های تاریخی قضایای مورد بحث و کوشش در راه کشف لحظه ولادت آنها و اوضاع فکری که پیدایش آنها را احاطه کرده بود و طبیعت وضعیتی عقلی در هنگام بناگذاری آن، متمایز شده است؛ تا حدی که توانست بر نفی برخی آرا در تعیین تاریخ بعضی مسائل فلسفی، اقامه برهان کند و سر زمان ولادت را اثبات و نخستین فیلسوف که آن را ابراز داشته، مشخص کند.

برای نمونه، استاد مطهری کشف کرد که مسئله «صالت وجود» از ابتکارات فلسفه اسلامی بعد از بوعلی سیناست؛ یعنی مقوله «صالت وجود» که نمایانگر پایه زیرین «حکمت متعالیه» صدرالمآلهین است، از مسائل نویناد (مستحدثه) فلسفه اسلامی به شمار می‌رفته است؛ چه این مسئله در فلسفه ارسطو یا فارابی یا ابن سینا و پس از آن مطرح نبوده است. همچنین می‌بایم که مؤلف، این روش را در کاویدن تاریخ مسئله «وحدت و کثرت وجود» به کار برده است و ثابت کرده که بر این مسئله در کتابهای پیشینیان به شکل کنونی‌اش، از جهت نام، عنوان و ساخت پژوهشی که در کتابهای جدید می‌بینیم، متعرض نشده‌اند؛ زیرا یادی مجدد و روشن از این موضوع را در پژوهشهای فارابی و پس از او ابن سینا نمی‌بینیم؛ بنابر این، همه فلاسفه که پیش از صدرالمآلهین آمدند، به مسئله وحدت و کثرت وجود به صورتی که بعد از ملاصدرا مورد بحث قرار گرفت، نپرداخته‌اند و شاید محی‌الدین عربی نخستین کسی باشد که در سده هفتم هجری، از مسئله به این نام، به طور صریح یاد کرده است. (رفاعی، 1373: 25)

دو) پرده برداشتن از عملکردهای فلسفی حکمای مسلمان

ارنست رنان، خاورشناس فرانسوی و خاورشناسان دیگر، گمان برده‌اند مسلمانان امکان نیافته‌اند که خود فلسفه‌ای بنیان نهند و آنچه از میراث فلسفی دارند، تنها یک کپی برداری از فلسفه یونانی است که به زبان عربی ترجمه شده! پس این فلسفه، فلسفه‌ای یونانی با واژگان عربی است. ولی طبق دیدگاه شهید مطهری، «چیزی که از نظر تاریخ مسلم است، این است که یونان قدیم نیز سرمایه‌های اصلی معلومات خویش را مدیون مشرق‌زمین است و دانشمندان بزرگ آن جا مسافرتها به مشرق کرده‌اند و از اندوخته‌های دانشمندان شرقی بهره‌مند گشته و پس از عودت، در وطن خود منتشر ساخته‌اند» (مطهری، 1373: 29). «والحق باید انصاف داد فلاسفه اسلامی که بیشتر همت خویش را صرف تحقیق در این فن کرده‌اند، خوب از عهده این کار برآمده‌اند و فلسفه نیمه‌کاره یونان را تا حد زیادی جلو برده‌اند و با آنکه فلسفه یونان در ابتدای ورود در

99 **علی باقی نصرآبادی و مجید سلیمانی**

حوزه اسلامی مجموعاً بیش از دویست مسئله نبود، در فلسفه اسلامی بالغ بر هفتصد مسئله شده است و علاوه اصول و مبانی و طرق استدلال، حتی در مسائل اولیه یونان به کلی تغییر کرده و مسائل فلسفه تقریباً خاصیت ریاضی پیدا کرده» (همان: 36)

استاد مطهری اثبات کرده که عقل فلسفی اسلامی، شمار زیادی نظریات و مسائل فلسفی خلق کرده که در پژوهشهای فلسفی پسین، جایگاه قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. آنچه در پی می‌آید، نمونه‌ای از مسائلی است که برای نخستین بار در فلسفه اسلامی عنوان شده‌اند: «مسائل عمده وجود؛ یعنی اصالت وجود، وحدت وجود، وجود ذهنی و احکام سلویه وجود؛ همچنین مسئله جعل، مناط احتیاج شیء به علت... اعتبارات ماهیت، احکام عدم خصوصاً امتناع اعاده معدوم و معقولات ثانیه» (همو، 1374: 229) و در جای دیگر می‌فرماید: «برخی اقسام تقدّم، اقسام حدوث، انواع ضرورتها و امتناعها و امکانها، برخی اقسام وحدت و کثرت، حرکت جوهریه، تجرد نفوس حیوان، تجرد برزخی نفس انسان علاوه بر تجرد عقلی، جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا بودن نفس، فاعلیت بالتسخیر، وحدت نفس و بدن، نوع ترکیب ماده و صورت، وحدت در کثرت قوای نفس، بازگشت ارتباط معلول به علت به اضافه اشراقیه، معاد جسمانی برزخی، بعد رابع بودن زمان، قاعده بسیط الحقیقه، علم بسیط اجمالی باری در عین کشف تفصیلی» (همو، 1371: 31)

سه نقد فیلسوفان مسلمان

استاد مطهری آرای فلاسفه را پیگیری کرده، به نحوی دقیق و منظم و منطقی به تحلیل آنها پرداخته و به کانونهای اشتباه آنها پی برده است. استاد به اصل اشتباهی که صدرالمآلهین در کتاب شرح الهدایه در تعریف فلسفه مرتکب شده، پی برده است؛ منشأ این اشتباه همان است که شیخ اشراق آورده: «فلسفه یعنی تشبیه به حق» (رفعی، 1373: 26)؛ سپس این نظر به صدرالمآلهین در شرح الهدایه سرایت کرده، گرچه در کتابهای دیگر وی نیست.

استاد مطهری در جای دیگر به اشتباهات فیلسوفان اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «فلاسفه اسلامی نه تنها توجهی به سیر تاریخی این مسائل (فلسفی) نداشته‌اند، احیاناً به علل خاصی موجبات ابهام و اشتباه‌کاری فراهم کرده‌اند و سخنان گمراه‌کننده‌ای از این نظر گفته‌اند. به نظر ما، شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق، بیش از هر فیلسوف دیگری بیانات گمراه‌کننده‌ای از نظر ریشه‌های تاریخی مسائل ابراز داشته است» (مطهری، 1371: 23)

«مرحوم حاج ملاهادی سبزواری، حکیم و عارف بزرگوار قرن سیزدهم نیز به نوبه خود در گمراه ساختن افکار از نظر ریشه‌های تاریخی سهم بسزایی دارد؛ ولی آن چیزی که موجب شده بیانات مرحوم حاجی سبزواری ارزش تاریخی خود را از دست بدهد، با آنچه که درباره شیخ اشراق مصداق دارد،

100 ♦ الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

متفاوت است. نداشتن کتابخانه و اعتماد به نقلهای دیگران و مخصوصاً میل شدید آن مرد بزرگ به توجیه و تأویل کلمات گذشتگان به محملی قابل قبول، علت اصلی این امر است.» (همان: 24)

بنابر این، کسی که به دقت در بررسی‌های فلسفی استاد مطهری بنگرد، خواهد دید که ایشان آشکارا به اشتباهات شماری از فلاسفه - افزون بر یک مورد - و پیامدهای ناشی از آن اشتباهات در علوم دیگر اشاره کرده‌اند.

استاد مطهری در تبیین نظریات مکاتب مختلف درباره انسان کامل، نظریه بعضی از علمای اسلامی مثل فرید وجدی را که گفته‌اند: «جنگ در میان بشر یک ضرورت است و تا بشر هست، جنگ باید باشد؛ جنگ ناموسی در زندگی بشر است»، اشتباه تلقی کرده‌اند. (همو، 1383، ج 22: 169)

چهار) عمق‌نگری تاریخی

ذهن نقاد و تحلیلی و تحقیقی استاد مطهری، او را قادر ساخته بود از ظاهر به عمق مسائل پی ببرد و در مسائل مختلف، این توان را از خود نشان می‌داد. در طرح مسائل فلسفی، اجتماعی، شبهه‌های اعتقادی و ... سعی بر آن داشت که به ریشه تاریخی و اجتماعی یک تفکر پی ببرد و آن را در قالب مجرد موجود مشاهده نکند. آنگاه که سخن از تغییر الفبای فارسی و مبارزه با «زبان عربی» به میان آمد، ولوله‌ای در میان روشنفکرانمان غرب‌زده به پا شد و آن را مائده آسمانی تلقی کردند که مرهم تمامی دردها و عقب‌ماندگی‌هاست؛ استاد مطهری در مقابل این حرکت ایستاد و به افشاگری این حرکت نادرست پرداخت. استاد در یکی سخنرانی‌های خود، خطر این جریان ناسالم را چنین بیان می‌کند: «زبان عربی، زبان یک قوم نیست؛ زبان اسلام است. زبان عربی، زبان عرب نیست؛ زبان اسلام است. اگر قرآن نبود، اصلاً این زبان در دنیا وجود نداشت... این مبارزه علنی را که با زبان عربی می‌بینید، باید بیدار بشوید، باید بفهمید، باید شعور داشته باشید، عقل داشته باشید، والله این، مبارزه با اسلام است؛ با حروف الفبا که کسی مبارزه ندارد...» (همو، 1377: 238)

پنج) پایبندی به نقد عالمانه اندیشه‌ها

استاد مطهری به عقیده اهل فن و به شهادت مکتوبات، یادداشتها و سخنرانی‌هایی که در طول زندگی بابرکت خود داشت، در زمره متفکران و فیلسوفان دردمند اجتماعی در پژوهش مسئله‌محور است که در نظریات خویش بهره‌های فراوانی از مفاهیم، تعاریف و نظریه‌های خرد و کلان در مکاتب مختلف جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ برده است. ایشان هرگز از عرصه اجتماع خارج نشد و مانند اغلب جامعه‌شناسان غربی، گوشه انزوا اختیار نکرد و از پشت درهای بسته به جامعه نگاه و تحقیق نکرد؛ بلکه در زمانی که اندیشه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی، زوایای تن و جان جوانان را قبضه کرده بود، گامهای بلندی برای درمان آسیبهای فکری، دینی، فرهنگی و اجتماعی جوانان برداشت.

101 **◇** علی باقی نصرآبادی و مجید سلیمانی

استاد مطهری در مواجهه با افکار مخالف و انحرافی، پیش از نفی و نادرست خواندن آنها، نخست آنچه خود به آن اعتقاد داشت اثبات می‌کرد و سپس به رد آن فکر انحرافی می‌پرداخت. برای نمونه، زمانی که برخی از روشنفکران دربارهٔ معجزهٔ پیامبر(ص) نظر نادرستی ارائه می‌دادند، استاد مطهری نخست تفسیر درستی از نظر شیعه دربارهٔ معجزهٔ پیامبر(ص) بیان می‌کرد و در ادامهٔ آن، به نقد و بررسی نظر روشنفکران می‌پرداخت. (همو، 1384:206)

روش استاد در برخورد با آرای مخالف، علاوه بر نقد و طرح اشکالات، بیان نکات مثبت بود. برای نمونه، استاد در برخورد با اقبال لاهوری، ابتدا چند مزیت او را بیان می‌کند و سپس دو نقص او را نیز آشکار می‌کند. (همو، 1387:56)

3. پیشرانه‌های پژوهش مسئله‌محور

پیشرانه‌ها به نیروهای عمده یا متغیرهای کلیدی شکل‌دهنده به یک سیستم اشاره دارد. به عبارت دیگر؛ مؤلفه‌ها یا عوامل اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزهٔ مورد مطالعه می‌باشند. پیشرانه‌ها عناصری‌اند که باعث حرکت و تغییر در سیستم شده و حساسیت بالایی دارند (یگرنی، 1397). منظور از پیشران در این نوشتار، راهبردها و کنش و واکنشهایی است که باعث راهبری به پژوهش مسئله‌محور می‌شود.

یک) توجه به نیازها

استاد مطهری در شمار معدود متفکرانی بود که از شرایط لازم برای آشنا ساختن نسل امروز با اسلام برخوردار بود؛ چون زبان نسل جوان را می‌دانست و می‌فهمید؛ پیام این نسل را می‌شنید و متناسب با نیازهایشان کتاب می‌نوشت و تحقیق می‌کرد. آیت‌الله مصباح یزدی می‌فرماید: «خصلت ویژهٔ شهید مطهری این بود که در زمان مناسب، کمبودها و خلأهای فرهنگی، اجتماعی و تبلیغی را به خوبی درک و شناسایی کرده بود» (مصباح یزدی، 1390:81). «این ویژگی زمان‌آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به نیازهای اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی جامعه، نظیرش در کمتر کسی یافت می‌شد.» (همان: 85)

بسیاری از اهل علم و قلم و اهل سخن، موضوعات مورد مطالعه و تحقیقات خود را یا به تقلید از بزرگان انتخاب می‌کنند یا بر اساس ذوق و سلیقه و علاقهٔ شخصی‌شان به آن علوم و معارف که گرایش دارند، به تحقیق و بحث می‌پردازند. اما استاد مطهری موضوع مورد تحقیق خود را صرفاً بر اساس خواسته‌ها و نیازهای شخصی خود انتخاب نمی‌کردند، بلکه به نیاز فرهنگی جامعه توجه اساسی داشتند. در حقیقت؛ روحیهٔ پژوهش مسئله‌محور شهید مطهری، او را از مسئله‌ها و دغدغه‌های شخصی بازمی‌داشت و به سوی درمان دردهای اجتماعی و فرهنگی و فکری جامعه سوق می‌داد.

دو) روشمندی

از نخستین گامهای تحقیق، روشمندی است؛ زیرا در ایجاد چشم‌اندازهای نو در عرصه تولید علم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در جامعه ما، بیشتر هم و غم افراد، معطوف به خصلتها و ویژگی‌های فردی و شخصی افراد است و کمتر کسی به قواعد و روشها عنایت دارد؛ در حالی که دانشمندان جدید در دنیای فعلی، روش‌شناسی را جدی می‌گیرند و به صورت مستقل به آن می‌پردازند. غربی‌ها نیز وقتی نگاه روشمند پیدا کردند، توانستند پیشرفت کنند. (کیاشمشکی، بی‌تا: 61)

استاد مطهری پژوهشگری ماهر و توانا در روش‌گزینی در تحقیق مسئله‌محور بود که تلاشهای پژوهشی خود را با شیوه‌های رایج در دنیای فعلی سامان داد و در این زمینه به نوآوری‌های زیادی در علم دست یافت. وی مخالف سرسخت مطالعه و تحقیق بی‌برنامه و بی‌ضابطه بود و می‌فرمود: «افراد از نظر هوش، فهم، استعداد و حافظه با یکدیگر اختلاف دارند. انسانهای رشید از حافظه خود بهره‌برداری صحیح می‌کنند، ولی آدمهای غیر رشید ممکن است حافظه بسیار نیرومندی نیز داشته باشند، اما نتوانند از آن استفاده کنند. آدم غیر رشید تصور می‌کند حافظه یک انبار است؛ انباری که دائماً باید آن را پر کنند، هر چه پیدا کرد، آنجا پرت کند... انسان رشید کتابها و مطالبی را که برای خود لازم می‌داند جمع می‌کند، آنها را مکرراً مطالعه و دسته‌بندی و سپس خلاصه می‌کند، خلاصه را یادداشت [می‌کند] و به حافظه خود می‌سپارد؛ بعد به موضوع دیگر می‌پردازد. چنین فردی [روشمند] اگر حافظه‌اش ضعیف هم باشد، از آن حداکثر استفاده را می‌کند». (مطهری، 1378، ج 3: 316-315)

استاد مطهری در این باره می‌فرماید: «در میان علما، افرادی که خیلی استاد دیده‌اند، من به اینها هیچ اعتقاد ندارم. به همین دلیل اعتقاد ندارم که خیلی استاد دیده‌اند، همان که [استاد دیدن] برایشان باعث افتخار است؛ مثلاً می‌گویند: فلان کس 30 سال به درس مرحوم نائینی رفته یا 25 سال متوالی درس آفاضیا را دیده. عالمی که 30 سال یا 25 سال عمر یکسره درس این استاد و آن استاد را دیده... تمام نیرویش صرف گرفتن شده، دیگر چیزی نمانده برای آنکه با نیروی خودش به مطلبی برسد... ما در میان استادها خودمان، آن استادهایی را می‌دیدیم ابتکار دارند که زیاد معلم ندیده بودند. شیخ انصاری که یکی از مبتکرترین فقهای 150 سال اخیر است، از تمام علمای فعلی کمتر استاد دیده؛ یعنی دوره استاد دیدنش بسیار کم بوده است». (همو، 1383، ج 22: 528-527)

سه) نوآوری

از ویژگی‌های استاد مطهری، نوآوری در پژوهش و آموزش بود. مقام معظم رهبری درباره ویژگی ممتاز و برتر ایشان در مسئله‌محوری در عرصه پژوهش می‌فرماید: «هنر استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، یافتن موضوعهای نو و جدید است» (مقام معظم رهبری، 1368/2/4). «ایشان مفاهیم و معارف اسلامی را با لغت و بیان

103 **علی باقی نصرآبادی و مجید سلیمانی**

تازه‌ای تبیین کرد «همو، 1377/2/12». «نکته‌ای که من همیشه در مورد آقای مطهری تکرار کرده‌ام، بدیع‌گویی، نوآوری و سخن و فکر تازه عرضه کردن ایشان است». (همو، 1379/2/13)

مطالب درسی و تحقیقی استاد مطهری همیشه نو بود. ایشان برای تدریس در هر جلسه، همه تلاش خود را به کار می‌بستند که به کتب معتبر جدید و نشریات مختلف علمی و پژوهشی رجوع کنند. به اندیشه‌های معاصرین بسیار توجه داشتند و همین خصوصیت، پژوهش ایشان را نوآورانه می‌ساخت. تماس مستمر استاد مطهری با مسائل تازه عرصه آموزش و پژوهش، باعث شده بود که شاگردان وی وقتی از محفل درس ایشان بیرون می‌آمدند، برای خودشان تعدادی از مسائل نو به دست می‌آوردند که بتوانند پیگیری کنند. (جمعی از صاحب‌نظران، 1390: 100)

چهار) آینده‌نگری

در میان روشنفکران و نواندیشان دینی در کشور، استاد مطهری در تفسیر و عرضه ارزشهای دینی، با دیدی بلند و اندیشه‌ای آزاد به تبیین دین و اجتهاد و استنباط صحیح از آن پرداخت و با نوجویی و نواندیشی، احکام و مقررات مورد نیاز زمان را از دل همان اصول کهن بیرون کشید. او با نگاه تازه به سنتها، بر اندام همان پیکر قدیم، جامه‌ای نو پوشاند. از حوزه‌های تخصصی و محدودکننده فراتر رفت و به وادی‌های دیگر سر کشید و از رویارویی با افقهای جدید نهراسید و نگاه پژوهشی خود را گسترده‌تر کرد (باقی نصرآبادی، 1388: 102). دکتر حداد عادل در این باره می‌گوید: «مسئله‌شناسی را از استاد مطهری بیاموزید! استاد مطهری یکی از بهترین هنرهایش این بود که در مسئله‌شناسی از روزگار خویش عقب نبود، بلکه جلوتر بود». (جاوید موسوی، 1387: 41)

شهید مطهری در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مصداق کسب قدرت را برای امروز جامعه ایرانی اسلامی، فراگیری علم و دانش نظامی، دفاعی و هسته‌ای به عنوان وظیفه‌ای واجب و لازم دانسته، می‌فرماید: «[شاید بگویید] مگر پیامبر گفت ایها الناس! بروید اتم‌شناسی یاد بگیرید، تا ما امروز بگیریم؟ می‌گوییم پیامبر چنین چیزی را نگفته، لازم هم نبود بگوید؛ ولی پیامبر چیزی گفته که اگر بخواهیم به آن عمل کنیم، باید این مقدمه را هم انجام بدهیم، چون روح این حکم آن است» (مطهری، 1386: 329). در جای دیگر می‌فرماید: «آنچه اصالت دارد این است که مسلمانان باید در هر عصر و زمانی، تا آخرین حد امکان، از لحاظ قوای نظامی و دفاعی در برابر دشمن قوی باشند». (همان: 192)

استاد مطهری متفکری دوران‌دیش و آینده‌نگر و حسابگر بود و هیچ‌کاری را بدون فراهم آوردن مقدمات لازم آغاز نمی‌کرد. همواره می‌اندیشید که برای هر کاری در آینده از وجود چه کسی استفاده کند؛ با کدام گروه ارتباط برقرار کند و از کدام گروه اجتناب ورزد. مرحوم آیت‌الله مهدوی کئی می‌فرماید: «استاد مطهری ده سال آینده را زودتر از همه ما درک می‌کرد و ما بعد از او بودیم». (جمعی از فضلا و یاران، 1370، ج 1: 122-123)

104 ♦ الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

آیت‌الله مصباح یزدی نیز درباره آینده‌نگری و آینده‌پژوهی استاد مطهری می‌فرماید: «ویژگی بارز شهید مطهری این بود که آسیب‌های اجتماعی و آفت‌های فرهنگی را نسبت به دیگر علما و روحانیون بسیار زودتر درک کرد» (مصباح یزدی، 1390: 87). بنابر این، استاد مطهری در حوزه پژوهش مسئله‌محور، زودتر از دیگران متوجه خطر می‌شدند و در نتیجه، جلوتر از زمان خودشان به نقد اندیشه‌ها و تفکرات انحرافی و التقاطی می‌پرداختند.

پنج) تیزبینی

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پژوهشگر مسئله‌محور برای رسیدن به نتیجه مناسب و مطلوب در عرصه پژوهش، برخورداری از نگرش و بینش دقیق و تیز است. استاد مطهری به عنوان متفکر مسئله‌محور، هیچ‌گاه در بند ظواهر مسائل پژوهشی نمی‌ماند و با تیزبینی مخصوص، در حد کمال، اندیشه‌های نو در علوم انسانی را نقد و بررسی می‌کرد و تلاش می‌کرد به خوبی با این اندیشه‌ها آشنا شود و به خوبی آنها را هضم کند؛ چون به اندیشه‌های اسلامی هم به حد کافی تسلط داشت. پس از این بود که در عرصه پژوهش مسئله‌محور به دوران باروری رسید و به نقد و نقادی و ابداع رأی و اجتهاد نظر پرداخت. (واقتی راد، 1379: 256-255)

شش) عمق‌یابی

از آنجا که استاد مطهری ذهنی مسئله‌یاب داشت، خود را به ظواهر مسائل تحقیق سرگرم نمی‌کرد؛ بلکه به طور عمیق به دنبال پاسخی منبعث از روح مکتب و مبتنی بر تدبیری نو در ریشه‌ها و مبانی مسائل جامعه می‌گشت. او محقق بی‌سایر پرمغز و فکور و عمیق بود. آیت‌الله جواد آملی در این باره می‌فرماید: «شهید مطهری در طرز تفکر، از راه صبر و تقسیم به عمق وارد می‌شد؛ یعنی اگر می‌خواست مطلبی را بررسی کند و اثری را به منشأ آن استناد دهد، تمام جوانب قضیه را با تحلیل بررسی می‌کرد» (واقتی راد، 1364: 717)

از خصوصیات بارز تفکر مطهری این بود که در اندیشه‌ها ریشه‌یابی دقیق می‌کرد؛ یعنی دست‌شونده را می‌گرفت و به سرچشمه‌های یک تفکر می‌برد. به عبارت دیگر؛ نشان می‌داد سؤالی که ایجاد شده، از چه ریشه‌هایی تغذیه می‌کند.

هفت) به کارگیری قاعده‌الاهم فالاهم در پژوهش

استاد مطهری در امر تحقیق، مقید به قاعده‌الاهم فالاهم و معتقد به پژوهش در زمینه‌های مورد نیاز جامعه بود و از تحقیقات آکادمیک صرف که هیچ مشکلی را از جامعه حل نمی‌کرد و وجود و نبودش یکسان بود، سخت اجتناب می‌کرد. استاد در شرح انگیزه فعالیت‌هایش چنین می‌گوید: «این بنده هرگز مدعی نیست که موضوعاتی که خودش انتخاب کرده و درباره آنها قلم‌فرسایی کرده است، لازم‌ترین موضوعات بوده است. تنها چیزی که ادعا دارد، این است که به حسب تشخیص خودش از این اصل تجاوز نکرده که تا حدی که برایش مقدور است، در مسائل اسلامی عقده‌گشایی کند و حتی الامکان حقایق اسلامی را آنچنان که هست ارائه دهد؛ فرضاً نمی‌تواند جلو انحرافات عملی را بگیرد، باری حتی الامکان با انحرافات فکری

مبارزه نماید و مخصوصاً مسائلی را که دستاویز مخالفان اسلام است روشن کند و در این جهت، الهم فالهم را - لاقبل به تشخیص خود - رعایت کرده است. (مطهری، 1378، ج 1: 39)

نکته مهم دیگر در تحقیقات علمی استاد مطهری، جهت‌دار بودن فعالیت علمی ایشان بود. استاد مقید بود ارتباط مسائل و مباحث را که تدریس می‌کرد، با مسائل نوین‌یاد (مستحدثه) زمان، روشن سازد؛ یعنی این‌طور نبود که یک مطلب انتزاعی تنها به صورت یک سلسله بحثهای لفظی جلوه‌گر شود، بلکه ایشان مطلب را به گونه‌ای عنوان می‌کرد که علاوه بر محتوا، جهت بحث و ارتباطش با سایر مسائل برای افراد مشخص شود. او در یکی از کتابهایش می‌گوید: «این بنده از حدود 20 سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سوالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است.» (همان: 38)

هشت) مسئله محوری فعالانه

پژوهش چیزی جز تلاش روشمند محقق برای حل مسئله نیست. مهم‌ترین تفاوت مطالعات شهید مطهری در مقایسه با بسیاری از دیگر محققان معاصر، به روش تحقیق برمی‌گردد. ایشان تمایز روشی با معاصران خود دارد و مهم‌ترین ضلع تمایز روش وی، مسئله محوری فعالانه است. استاد مطهری در آغاز غالب آثارش، از جمله در مقدمه کتاب *عدل الهی*، به مسئله محور بودن تحقیقات خویش اشاره کرده است. (همان)

مسئله محور بودن استاد مطهری، عوامل گوناگونی دارد. مهم‌ترین عامل، نگاه خاص وی به علم و راهبرد ایشان در تحصیل علوم است. ایشان در تفسیر «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»، علم واجب التحصیل را هر علمی می‌داند که پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی باشد. عطف توجه به نیازهای عینی، توقع ایشان از مطالعات دینی را ترسیم می‌کند (فرامرزی فراملکی، 1385: 181). کارایی و اثربخشی در پاسخ به نیازهای اجتماعی و چنین نگرشی، چشم مسئله‌یاب را به میان می‌آورد. مهم‌ترین ویژگی استاد در مواجهه با مسائل کلامی و فقهی، فعالانه بودن آن است، تعبیر ایشان مراد ما را بهتر نشان می‌دهد: «آنچه درباره مباحث این کتاب می‌توانم بگویم، این است که همه، مباحثی انتخاب شده است. هیچ یک به طور تصادف و به موجب علل اتفاقی طرح نشده است.» (مطهری، 1378، ج 1: 40). بنابر این، روح حاکم بر پژوهش و تألیفات استاد مطهری، مسئله محوری فعالانه است.

نه) پرهیز از مطلق‌گرایی

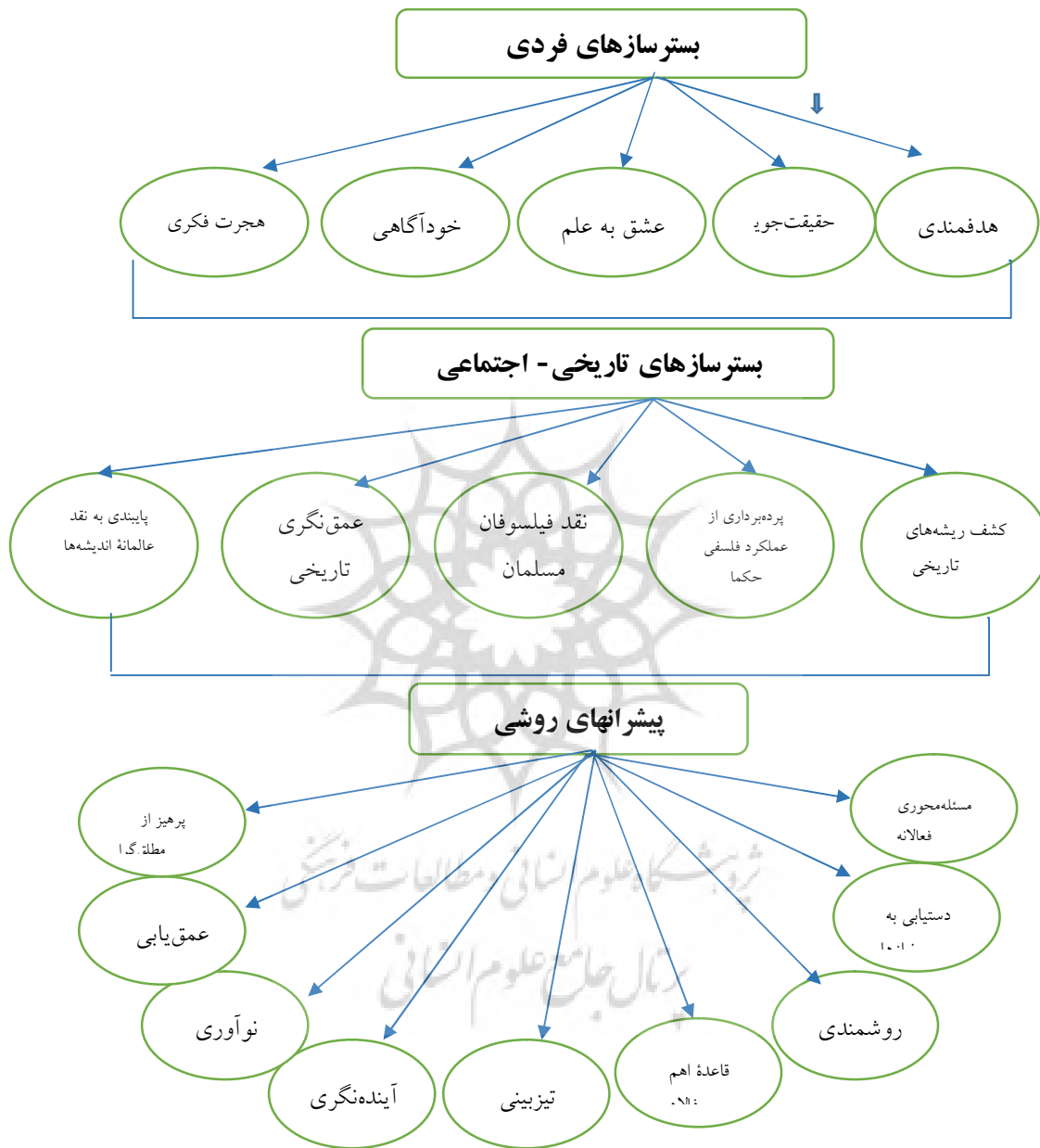
برخی در برخورد با اندیشه‌ها، همواره فقط خود را «حق» می‌دانند و دیگران را باطل. استاد مطهری این شیوه برخورد با دیگران را یکی از علل عمده موفق نشدن مردم در اصلاح جامعه می‌داند و می‌نویسد: «یکی از علل عمده عدم موفقیت ما مردم در اصلاح جامعه خود، همین است که هر فردی آنگاه که به خودش نگاه می‌کند و به اعمال خودش نظر می‌افکند، عینک خوش‌بینی به چشم می‌زند و آنگاه که به دیگران و اعمال

106 ♦ الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

دیگران نظر می‌کند، عینک بدبینی و بدگمانی و نتیجه این است که هیچ‌کس شخص خود را تقصیرکار نمی‌داند و چنین می‌پندارد که تقصیر متعلق به دیگران است» (همو، 1383، ج 23: 776). در جایی دیگر چنین می‌گوید: «بار دیگر از همه فضلا و دانشمندان درخواست دارم که به دقت در آنچه گفته شد بنگرند؛ اگر مرا بر خطا می‌بینند، واقفم فرمایند که با سپاسگزاری فراوان خواهم پذیرفت» (همو، 1378، ج 3: 470). این طریق مرزبانی دین است؛ آنچه باید انجام می‌گیرد، بدون اینکه تنشی در جامعه ایجاد شود. تنها معصومان اشتباه نمی‌کنند و به دور از خطا هستند. این سخن را باید همواره در برخوردها و تحقیقات در نظر گرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور شهید مطهری

شکل 1، الگوی روش‌شناسی مسئله‌یابی برآمده از اندیشه ناب شهید مطهری را در پژوهش مسئله‌محور به تصویر کشیده است. با بررسی دیدگاه‌های استاد، پیشرانها و عوامل مختلفی منجر به شکل‌گیری مسئله‌یابی در اندیشه و روش شهید مطهری می‌شود. بسترسازهای مسئله‌محوری به دو بعد فردی و تاریخی - اجتماعی تقسیم می‌شوند. از جمله بسترسازهای فردی، شامل هدفمندی، عشق به علم و تفکر، خودآگاهی، هجرت فکری، و حقیقت‌جویی است. مجموعه بسترسازهای تاریخی - اجتماعی نیز ما را به روش مسئله‌یابی استاد راه می‌برند که این عوامل عبارتند از: کشف ریشه‌های تاریخی در تحقیق، بررسی عملکردهای فلسفی حکمای مسلمان، نقد فیلسوفان مسلمان، عمق‌نگری تاریخی و نقد عالمانه اندیشه‌ها. پیشرانهای روشی مسئله‌محوری طبق دیدگاه‌های استاد، شامل دستیابی به نیازها، روشمندی، قاعده‌آهم فالاهم، تزیینی، آینده‌نگری، نوآوری، عمق‌یابی، مسئله‌محوری فعالانه و پرهیز از مطلق‌گرایی در تحقیق می‌باشند.

(د) بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از اندیشمندان جهان، به واسطه اشتغال در نظریه‌پردازی و تفکر علمی، از بیان نوع روش‌شناسی خود چشم‌پوشی کرده و به ندرت شیوه کار و روش دستیابی به نظریه‌ها و یافته‌های علمی خود را به رشته تحریر درآورده‌اند. آنچه در جامعه ما مغفول مانده، نپرداختن به روش علمی از سوی اندیشمندان در پژوهش‌های خود از یک سو و بی‌توجهی جامعه علمی از سوی دیگر برای منقح کردن نوع روش‌شناسی اندیشمندان بوده است. در این نوشتار، کوشش شد الگوی شهید مطهری در روش‌شناسی پژوهش مسئله‌محور، کنکاش و بررسی شود. شهید مطهری اندیشمندی خوش‌ذوق و متفکر است که با روحیه حقیقت‌جویی پای در عرصه‌های علم دینی و اجتماعی گذاشت. استاد، هدفمندی و هدفداری را سرلوحه خویش قرار داد و با عشقی وصف‌ناپذیر به دنیای علم و تفکر گام نهاد. ویژگی سیالیت در ذهن و فکر استاد، افق‌های نوینی را به روی ایشان گشود. شهید مطهری نشان داد که لازمه جهان‌آگاهی، در درجه اول خودآگاهی است.

شهید مطهری ویژگی‌های فردی و شخصیت علمی خود را توسعه داد و در کشف و شناخت مسائل، از سطح به عمق و ریشه‌های تاریخی و اجتماعی مسائل راه برد و در این مسیر با نگاهی نقادانه، از اشتباهات فیلسوفان و اندیشمندان نقاب برکشید و عملکردهای فلسفی حکمای مسلمان را مورد نقد عالمانه قرار داد.

استاد شهید در روش مسئله‌یابی خود، راهبردهای چندی را پیش گرفت. برای استاد، نیاز واقعی و کشف آن از اولویت ویژه‌ای برخوردار بود. نوع ورود ایشان در مسائل علمی، باری به هر جهت نبود؛ بلکه از چارچوب خاصی تبعیت می‌کرد که در این نوشتار به بخشی از آن پرداخته شد. چشم مسئله‌یاب، تلاش برای دیدن افق‌های دور، دوری از سطحی‌نگری در پژوهش و مسائل علمی، پرهیز از مطلق‌گرایی و جمود

109 علی باقی نصرآبادی و مجید سلیمانی

فکری و جهد علمی برای شناخت مسائل و مسئله‌محوری فعالانه در پژوهش، استاد را در نوع خود و در بین اندیشمندان دینی ممتاز می‌سازد.

علاوه بر یکی از زوایای قابل تأمل در روش‌شناسی شهید مطهری در پژوهش مسئله‌محور، به صورت نوشتاری و گفتاری، شناخت اندیشه‌های زمان خویش از یک سو و تیزبینی و نکته‌سنجی در تحلیل و تبیین اندیشه‌های جامعه‌شناختی جامعه اسلامی از دیگر سو است که ایشان را بر آن داشت تا بر محور اسلوب و روش خاص به نقد تحلیلی، تبیینی، نقضی و نقضی آنها پردازد. بر این اساس، از آنچه در این مقاله بیان شد، نکات و نتایج اساسی زیر به دست می‌آید:

1. یکی از برجسته‌ترین هنرهای شهید مطهری این بود که در تحقیق، ذهن و چشم مسئله‌یاب داشت.
2. در مسئله‌شناسی و مسئله‌یابی از زمان علمی خویش جلوتر بود.
3. رهاورد اندیشه‌وی، نتیجه‌محصول فکر و ذهن خلّاقش بود.
4. استاد مطهری برای اصلاح مشکلات جامعه، مسئله‌های نو را بازیابی و برایش جواب نو عرضه می‌کرد.
5. معلم و محقق مسئله‌محور، آمادگی و مهارت‌های مطلوب را در دانش‌پژوهان برای بهره‌مندی از یک زندگی علمی سالم و انسانی، توأم با ایمان میسر می‌سازد.
6. استاد مطهری در زمینه تحقیق و نویسندگی، دنبال کارهای علمی و تفننی بی‌فایده نبود؛ بلکه تمام تحقیقاتش بر حسب نیازهای جامعه و ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی شکل گرفت.
7. چون استاد مطهری پژوهشگری روشمند بود؛ روش او، وی را بر آن می‌داشت که در تحقیق به دنبال چه چیزی باید بگردد.
8. در نگاه شهید مطهری، اندیشه‌ها و افکار هر چند از شخصیت‌های بزرگ باشند نیز قابل نقد و ارزیابی و تأویل‌بردار و نقدپذیرند.
9. در پرتو نقد آرا و تضارب اندیشه‌هاست که دیدگاه‌ها و آرای نوین و پخته‌تر، تولد و تولید می‌شود.
10. حضور نقداندیشی و نقّادی‌گری، نشانه‌ حیات فرهنگی و علمی جامعه و دلیلی بر عرضه آرا و اندیشه‌ها در عرصه فرهنگ، تمدن و تحقیق خواهد بود.
11. در مسئله‌محوری فعالانه، اندیشه‌ استاد مطهری مبتنی بر ذهن کاونده در نظریه‌ها و دانش‌هاست.
12. ملاک اصلی استاد مطهری در تحقیق مسئله‌محور، ضابطه و قاعده‌مندی بود.

110 ♦ الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

13. استاد مطهری به سبب عمق تفکر در تحقیق، دارای نبوغی شده بود که در هر مبحثی از موضوعات عقلی و نقلی، گوی سبقت را از همگان می‌ربود.
14. شهید مطهری توانایی‌های علمی و پژوهشی خویش را متعهدانه و هدفمند به کار می‌گرفت. کارهای موازی و تکراری و جنجالی نمی‌کرد.
15. خصلت برجسته و ویژه شهید مطهری این بود که می‌توانست در زمان مناسب، کمبودها و خلأهای علمی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی جامعه را به خوبی درک و شناسایی کند.
16. اندیشه‌های تحقیقی شهید مطهری، خالق یک نظام واحد فکری و ارائه‌دهنده چارچوب و هندسه‌ای منسجم از اندیشه اسلامی است.

پیشنهادها

- پژوهشگران برای غنای علمی و پژوهشی خود می‌توانند پیشنهادهای پژوهشی ذیل را مد نظر قرار دهند:
- روش‌شناسی پژوهش مسئله‌محور، راهبردها، فنون و مهارت‌های پژوهشی را از استاد مطهری بیاموزیم.
 - جانمایه فرهنگ پژوهشی مطهر را در مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشورمان به الگو و تصمیم تبدیل کرده، آن را به کار ببریم.
 - برای پاسخگویی به موقع به نیازهای امروز جامعه، باید جمعی از اهل تحقیق و علاقه‌مند به کار علمی بنشینند و نظرات و تفکرات شهید مطهری را در ابواب مختلف استخراج کنند.
 - الگوگیری از پژوهش مسئله‌محور شهید مطهری، ما را به مزیت رقابتی در مرجعیت علمی و جنبش نرم‌افزاری و تولید علم می‌رساند.
 - پژوهش مسئله‌محور به باور و ارزش عمومی در کل چرخه نظام پژوهشی، نه بخشی از نظام، به فرهنگ همگانی تبدیل شود.
- بدون شک، به کارگیری روش‌شناسی اندیشمندان اسلامی، به ویژه شهید مطهری، در «پژوهش مسئله‌محور» باعث صیانت جامعه علمی و تحقیقاتی از آسیبها و موانع تحقیقی است.



منابع

- قرآن کریم.
- باقریان، محمد و حسن عابدی جعفری (1380). **تصمیم‌گیری حکیمانه**. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری.
- باقی نصرآبادی، علی (1388). **سیری در اندیشه‌های اجتماعی شهید آیت‌الله مطهری**. قم: بوستان کتاب.
- باقی نصرآبادی، علی و حمید نگارش (1386). **رمز موفقیت استاد مطهری**. قم: امام عصر، چ ششم.
- بیرو، آلن (1380). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- بی‌نام (1370). **سیری در زندگانی استاد مطهری**. تهران: صدرا.
- جعفریان، رسول (1371). **نزاع سنت و تجدد، بحثی دربارهٔ مناسبات فکری دکتر شریعتی و استاد مطهری**. تهران: رثوف.
- جمعی از صاحب‌نظران (1390). **جلوه‌های معلمی استاد مطهری**. تهران: مدرسه.
- جمعی از فضلا و یاران (1370). **سرگذشت‌های ویژه در زندگی استاد شهید مرتضی مطهری**. تهران: ذکر.
- جمعی از نویسندگان (1374). **مجموعه مقالات سیره نظری و عملی امام خمینی**. تهران: عروج.
- جوادی آملی، عبدالله (1378). **تفسیر تسنیم**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1375/الف). **رحیق مختوم**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1375/ب). **فلسفه حقوق بشر**. قم: اسراء.
- حیدری‌فر، مجید (1389). **مدرسه پژوهش و نگارش**. قم: پدیدآورنده با همکاری مؤسسه بوستان کتاب.
- خسروپناه، عبدالحسین (1394). **روش‌شناسی علوم اجتماعی**. تهران: حکمت و فلسفه ایران.
- رفاعی، عبدالجبار (1373). **«شیوه علامه مطهری در آموزش فلسفه»**. ترجمه آرش مردانی‌پور. کیهان فرهنگی، ش 2.
- ساروخانی، باقر (1370). **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: کیهان.
- سروش، عبدالکریم (1370). **تفرج صنع، گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی**. تهران: سروش.
- سروش، عبدالکریم (1371). **رازدانی و روشنفکری و دینداری**. تهران: صراط.
- شریفی، احمدحسین (1393). **مبانی علوم انسانی اسلامی**. تهران: آفتاب توسعه.
- فرامرز قراملکی، احد (1385). **اصول و فنون پژوهش در گسترهٔ دین پژوهی**. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- فروغی، محمدعلی (1379). **سیر حکمت در اروپا**. تصحیح امیرجلال‌الدین اعلم. تهران: البرز.

112 ♦ الگوی روش‌شناسی مسئله‌محور در اندیشه شهید مطهری

- کیاشمشکی، ابوالفضل. [بی‌تا]. «نصوص قدیم و علوم جدید، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی». دفتر اول، مجموعه گفتگو.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1390). آفتاب مطهر؛ زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی علامه شهید آیت‌الله مرتضی مطهری. تدوین و نگارش غلامرضا گلی زواره. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (1371). مجموعه آثار، ج 5. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1373). مجموعه آثار، ج 6. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1374). مجموعه آثار، ج 13. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1378). مجموعه آثار، ج 1 و 3. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1383). مجموعه آثار، ج 22 و 23. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1384). مجموعه آثار، ج 2. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1386). مجموعه آثار، ج 21. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1387). مجموعه آثار، ج 26. تهران: صدرا.
- میگوئی، ایوب (1397). «تعیین پیشرانهای حکمرانی خوب با رویکرد تحلیل تأثیر متقاطع». دومین کنفرانس حکمرانی و سیاستگذاری. تهران.
- واتقی راد، محمدحسین (1379). مصلح بیدار. تهران: صدرا.
- واتقی راد، محمدحسین (1364). مطهر اندیشه‌ها، جلد 1. قم: بوستان کتاب.
- A Group of Experts (2011). **Effects of teacher Motahhari**. Tehran: School.
- A Group of Scholars and Friends (1991). **Special stories in the life of Martyr Morteza Motahhari**. Tehran: Zikr Publishing.
- A Group of Writing (1995). **Collection of articles on the theoretical and practical life of Imam Khomeini**. Tehran: Orouj Publishing.
- Anonymous (1991). **A look at the life of Master Motahhari**. Tehran: Sadra.
- Bagherian, Mohammad & Hassan Abedi Jafari (2001). **Wise decision**. Tehran: Presidential Public Management Training Center.
- Baghi Nasrabadi, Ali (2009). **A look at the social thoughts of the martyr Ayatollah Motahhari**. Qom: Book Garden.
- Baghi Nasrabadi, Ali & Hamid Negaresh (2007). **The secret of Master Motahhari's success**. Sixth edition. Qom: Imam Asr Publishing Institute.
- Biro, Allen (2001). **Culture of Social Sciences**. Translated by Baqer Sarukhani. Tehran: Kayhan.
- Faramarz Gharamaleki, Ahad (2006). **Principles and techniques of research in the field of theology**. Qom: Qom Seminary Management Center Publications.

- Foroughi, Mohammad Ali (2000). **The course of wisdom in Europe**. edited by Amir Jalaluddin Alam. Tehran: Alborz.
- Heidarifar, Majid (2010). **School of Research and Writing**. Qom: Published by the author in collaboration with the Book Garden Institute.
- Jafarian, Rasool (1992). **The conflict between tradition and modernity, a discussion about the intellectual relationship between Dr. Shariati and Professor Motahhari**. Tehran: Raouf.
- Javadi Amoli, Abdullah (1999). **Interpretation of Tasnim**. Qom: Isra Foundation.
- Javadi Amoli, Abdullah (1996). **Philosophy of human rights**. Qom: Isra Foundation.
- Javadi Amoli, Abdullah (1996). **Rahigh Makhtoum**. Qom: Isra Foundation.
- Khosropanah, Abdul Hussein (2015). **Methodology of Social Sciences**. Tehran: Research Institute of Iranian Wisdom and Philosophy.
- Kiashemshaki, Abolfazl [No date]. **“Old texts and new sciences, an introduction to free thinking and theorizing in religious sciences”**. *The first book, a collection of conversations*.
- Maygooni, Ayub (2018). **“Determining the drivers of good governance with a cross-impact analysis approach”**. *Second Governance and Policy Conference*. Tehran.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2011). **Aftab Motahhar, life, thought and scientific and cultural services of Allameh Shahid Ayatollah Morteza Motahhari**. Edited and written by Gholamreza Goli Zavareh. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Motahhari, Morteza (1992). **Collection, Vol. 5**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1994). **Collection, Vol. 6**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1995). **Collection, Vol. 13**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (1999). **Collection, Vol 1, 3**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2004). **Collection, Vol. 22, 23**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2005). **Collection, Vol. 2**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2007). **Collection, Vol. 21**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza (2008). **Collection, Vol. 26**. Tehran: Sadra.
- Refaie, Abdul Jabbar (1994). **“Allameh Motahhari's method in teaching philosophy”**. Translated by Arash Mardanipour. *Kayhan Farhangi*, No. 2.
- Sarukhani, Baqir (1991). **An Introduction to the Encyclopedia of Social Sciences**. Tehran: Kayhan.
- Sharifi, Ahmad Hussein (2014). **Fundamentals of Islamic Humanities**. Tehran: Aftab Tose'e Publications.
- Soroush, Abdul Karim (1991). **Industrial recreation, speeches in ethics, industry and humanities**. Tehran: Soroush Publications.
- Soroush, Abdul Karim (1992). **Mystery, intellectualism and religiosity**. Tehran: Serat Cultural Institute.

- Vaseghi Rad, Mohammad Hussein (2000). **Mosleh Bidar**. Vols. 1-2. Tehran: Sadra.
- Vaseghi Rad, Mohammad Hussein (1985). **Motahhari, the pure of ideas**. Vol. 1. Qom: Book Garden.

